

همزیستی مسالمت آمیز در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل دولتی اسلامی (با تأکید بر فقه سیاسی)

□ محمدحسین فصیحی *

چکیده

در این مقاله همزیستی مسالمت آمیز در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل دولتی اسلامی با تأکید بر فقه سیاسی مورد بحث و مذاقه قرار گرفته و با توجه به آیات قرآن کریم و روایات و نظرات فقهای کرام روشن گردیده است که در حوزه سیاست خارجی و سطح بین‌الملل، زندگی مسالمت آمیز همه ادیان، مذاهب و اقوام، مختلف در کنار یکدیگر فقط در سایه آموزه‌های وحیانی امکان پذیر است و لاغیر. برد باری مذهبی، دینی و تحمل و برد باری انسانی که از اصلی ترین آموزه‌های ادیان آسمانی است، تنها راه حلی است که می‌توان برای همزیستی مسالمت جوامع بشری بیان کرد. آموزه‌های اسلامی این ظرفیت را دارد که با قبول وجود اختلاف‌های دینی، مذهبی، قومی، نژادی و چند فرهنگی، زندگی بدون درگیری، تعارض و تنش را تجربه کند. بر اساس توصیه آیات نورانی قرآن مجید بر این است، آنجا که استدلال و منطق کارساز نباشد و طرفین بر ادعای خود اصرار داشته باشند، در این صورت به شرط عدم تعرض، در کنار همدیگر به زندگی خویش ادامه بدهند. و هرکسی پای بند به آیین خویش بوده و در یک فضای سالم و زندگی مسالمت آمیز سپری نمایند تا زندگی در یک جامعه امن برای همه به وجود بیاید.

فقهای عظام نیز به تبع از قرآن کریم، با توجه به شرایط زمانی و مکانی شان اکثراً رفتار اصلاحی داشته‌اند تا انقلابی، به گونه که با مراجعه به اندیشه سیاسی امام خمینی درمی‌یابیم که ایشان در یک مقطع از مبارزاتشان همانند فقهای بزرگ چون: شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی، محقق کرکی،

* دانش آموخته سطح چهار جامعه المصطفی صلى الله عليه وآله العالمية.

محقق سبزواری، مرحوم نراقی و علامه نائینی، اندیشه‌ی سیاسی اصلاحی داشتند، لذا اقدامات علمی و عملی که این متفکران انجام می‌دادند در سطحی بوده است که شرایط زمانی آن‌ها اقتضا می‌کرده است، در نظریه این دسته از علما تقاضاهایی مبنی بر اجرای احکام در قالب بیانی که نشانگر مصالحه با سلطنت و نه مشروعیت بخشیدن به آن باشد وجود دارد، شبیه آنچه آیت‌الله نائینی درباره سلطنت مشروطه به کمک اصولی همچون: (عمل به قدر مقدور، دفع افسد به فاسد) ارائه کرده است. روشن است که اصول دیگر همانند: اصل ضرورت حکومت، اصل تقدیم اهم بر مهم، اصل عدالت اجتماعی، اصل تکلیف، اصل رعایت مصلحت اسلام و مسلمین، اصل نفی سبیل و... نیز در این اندیشه‌ها مؤثر بوده است به‌ویژه اصل اجتهاد، که در واقع بنیان و جهت دهنده تمام اصول مذکور است. **کلیدواژه‌ها:** همزیستی، مسالمت‌آمیز، سیاست خارجی، دولت اسلامی، روابط بین‌الملل، فقه سیاسی.

مقدمه

یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های انسان‌های آزاد اندیش در طول قرون و اعصار، زندگی مسالمت‌آمیز جامعه انسانی بوده است. زندگی بدون جنگ، خون‌ریزی، تعدی، تضاد و تعارض همراه با صلح و سازش، آرمانی دست‌نیافتنی همیشگی همه جوامع انسانی موجود بر روی این کره خاکی در هر عصر و زمانی بوده و هست. دانشمندان، در عرصه‌های مختلف، همواره کوشیده‌اند تا با ارائه نظریه‌هایی، جامعه انسانی را از این مخمصه نجات بدهند. فیلسوفان، دانشمندان علم سیاست، جامعه‌شناسی سیاسی، محیط‌زیست و... کوشیده‌اند تا با ارائه نظریه‌های بدیع، نقطه پایانی بر این دغدغه همیشگی انسان‌ها بگذارند.

ولی آنچه مسلم است این است که همگی در این تلاش ناکام مانده‌اند. جامعه بشری تاکنون به این آرمان دست نیافته است. نه تنها چنان شد که دانشمندان آرزوی آن را، در سر می‌پروراندند. بلکه جامعه انسانی امروزه از هرزمانی دیگری در معرض خطرناک‌ترین تهدیدها، قرار دارد. چرا که وجود بیشترین سلاح‌های هسته‌ای تهدیدی بزرگ است و قدرت آن را دارد تا تمام بشریت را یکجا نابود سازد. بنابراین؛ این‌که گفته شده است سال‌های پس از (۱۹۴۵) را باید عصری پس از جنگ نامید سخنی کاملاً عاری از واقعیت است، بدلیل اینکه

آنتی‌گیدنز سیری کشته‌شدگان در جنگ را در قرن‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰ مقایسه نموده می‌گوید در قرن هجدهم چهار میلیون و چهارصد هزار نفر و در قرن نوزدهم هشت میلیون و سیصد هزار نفر و در قرن بیستم ۹۸ میلیون و هشتصد هزار نفر، در جنگ کشته شده‌اند. (آنتونی گدنز، ۱۳۸۷، ص ۳۴۴)

در قرن بیست و یکم با توجه به وضعیت جامعه بشری در زمان کنونی می‌توان گفت آمار کشته‌شدگان در جنگ بسا فراتر از صد میلیون نفر خواهد بود. در این میان با نگاه کلی به کشورهای اسلامی می‌توان نتیجه گرفت که امروزه بیشترین ناآرامی را پشت سر می‌گذارند. و اصولاً امروزه کمترین کشور اسلامی وجود دارد که در طول همراه، هر هفته و گاه هرروز دچار ناآرامی، جنگ، قتل و کشتار، انتحار، راهزنی، گروگان‌گیری و تعارضات قومی، نژادی مذهبی، و هتک حرمت نوامیس مسلمانان نباشد...

به‌طور قطع می‌توان گفت، ریشه تمامی جنگ‌ها و نزاعها، فاصله گرفتن و دوری از آموزه‌های دینی است در واقع عامل اصلی این درگیری‌ها، زیاده‌خواهی‌ها و طغیان‌گری‌های سردمداران استکبار و استعمار به حساب می‌آید. به خاطر که آنان هیچ‌گاه از این خباثت‌های ضد انسانی دست بر نخواهند داشت ولی این‌که به چه دلیل جامعه اسلامی در این دام خطرناک گرفتار شده‌اند. بدون تردید فاصله گرفتن از آموزه‌های اصیل اسلامی و کج‌فهمی‌ها از متون دینی را می‌توان یکی از اصلی‌ترین علل و عوامل آن برشمرد.

در سطح بین‌الملل، زندگی مسالمت‌آمیز همه ادیان، مذاهب و اقوام، مختلف در کنار یکدیگر فقط در سایه آموزه‌های وحیانی امکان‌پذیر است. برد باری مذهبی، دینی و تحمل و برد باری انسانی که از اصلی‌ترین آموزه‌های ادیان آسمانی است، تنها راه‌حلی است که می‌توان بیان کرد. آموزه‌های اسلامی این ظرفیت را دارد که با قبول وجود اختلاف‌های دینی، مذهبی، قومی، نژادی و چند فرهنگی، زندگی بدون درگیری، تعارض و تنش را تجربه کند. قرآن کریم به‌عنوان قانون اساسی و کتاب زندگی برای همه انسان‌ها چه آن‌های که آن را پذیرفتن چه آن‌های که نپذیرفتن، آنجا که بحث و گفتگو دیگر نتیجه‌بخش نیست، به زیبایی هرچه‌تمام‌تر، راهکار عمل نمودن هرکس به معتقدات خویشان به‌شرط عدم تعدی به حریم

دیگران را ارائه داده است. «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (۱) لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲) وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۳) وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ (۴) وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۵) لَكُمْ دِينُكُمْ وَلی دین.» (کافرون/۱-۶)

بر اساس این آیات نورانی توصیه قرآن مجید براین است، آنجا که استدلال و منطق کارساز نباشد و طرفین بر ادعای خود اصرار داشته باشند، در این صورت به شرط عدم تعرض، در کنار همدیگر به زندگی خویش ادامه بدهند. و هرکسی پای بند به آیین خویش بوده و در یک فضای سالم و زندگی مسالمت‌آمیز سپری نمایند تا زندگی در یک جامعه امن برای همه به وجود بیاید.

فقه‌های عظام نیز به تبع از قرآن کریم، با توجه به شرایط زمانی و مکانی شان اکثراً رفتار اصلاحی داشته‌اند تا انقلابی، به گونه که با مراجعه به اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام درمی‌یابیم که ایشان در یک مقطع از مبارزاتشان همانند فقهای بزرگ چون: شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلّی، محقق کرکی، محقق سبزواری، مرحوم نراقی و علامه نائینی، اندیشه‌ی سیاسی اصلاحی داشتند، لذا اقدامات علمی و عملی که این متفکران انجام می‌دادند در سطحی بود که شرایط زمان آن‌ها اقتضا می‌کرد، در نظریه این دسته از علما تقاضاهایی مبنی بر اجرای احکام در قالب بیانی که نشانگر مصالحه با سلطنت و نه مشروعیت بخشیدن به آن باشد وجود دارد، شبیه آنچه آیت‌الله نائینی درباره سلطنت مشروطه به کمک اصولی چون: (عمل به قدر مقدور، دفع افسد به فاسد) ارائه کرد. روشن است که اصول دیگر چون: اصل ضرورت حکومت، اصل تقدیم اهم بر مهم، اصل عدالت اجتماعی، اصل تکلیف، اصل رعایت مصلحت اسلام و مسلمین، اصل نفی سبیل و... نیز در این اندیشه‌ها مؤثر بوده است به‌ویژه اصل اجتهاد، که در واقع بنیان و جهت دهنده تمام اصول مذکور است.» (نجف لک زایی، ۱۳۷۹، صص ۹۳-۹۴)

حال با در نظر داشت این سخن که، اسلام دین کامل و جاویدانی و فقه اسلامی قانون زندگی کردن است؛ سؤالی که وجود دارد این است که: در آموزه‌های دینی به‌ویژه فقه اسلامی، چه راهکارهای در این زمینه وجود دارد تا در سایه‌ی آن بتوان با قبول چند

فرهنگی‌ها و پای بندی به کیش و آیین خویشتن؛ یک زندگی همراه با صلح و سلامتی را برای جامعه انسانی به‌ویژه جامعه‌ی اسلامی به وجود آورد. تا دولت اسلامی بتواند با توجه به آن راهکارها در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل با دول دیگر تعامل و رفتار نماید. به عنوان راهکار همزیستی مسالمت در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود:

۱. سطوح همزیستی مسالمت‌آمیز

اسلام همزیستی مسالمت‌آمیز را در سه سطح مطرح نموده است:

۱-۱. همزیستی عادلانه در حوزه جوامع بشری «وحدت جهانی»

نخستین سطح همزیستی مسالمت‌آمیز، همزیستی همراه با رفق و مدارا در کل جامعه انسانی است در این سطح که سطح جامعه انسانی است، حداقل‌ها را باید رعایت کرد. در این مرحله، آموزه دینی، بیشتر بر عدم تعرض، عدم توهین، احترام و تکریم انسانیت، تأکید دارد. خداوند در قرآن کریم مفرماید:

ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و به صورت ملت‌ها و قبیله‌ها قراردادیم، تا همدیگر را بشناسید. بی‌تردید گرمی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شما است. یقیناً خدا دانا و آگاه است؛ **يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.** (حجرات/۱۳)

در این آیه شریفه بحث انسان بماهوانسان مطرح است. چنانکه امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نامه معروف خود به مالک اشتر به زیبایی هرچه‌تمام‌تر، آن را به فرمانده رشید خود مالک اشتر یادآوری نموده می‌گوید: «قلب خویش را کانون رحمت و محبت و لطف به رعیت قرار ده، و در مورد آنان همچون درنده‌ای مباش که خوردنشان را غنیمت شماری، زیرا آن‌ها دو گروه‌اند یا برادر دینی تواند و یا انسان‌هایی که در آفرینش شبیه تو هستند (در حال باید حقوق آن‌ها را محترم بشماری)» «واشعر قلبک الرحمة للرعیه والمحبه بهم ولا تكونن علیهم سبعا ضاریا تغتتم اکلهم فانهم صنفان اما آخ لک فی الدین واما نظیر لک فی الخلق» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

در این بیان زیبا، سخن حضرت درباره تمامی شهروندان است فارغ از هرگونه رنگ، نژاد کیش و آیین. و دستور حضرت ملازمه لطف و رحمت است. آنچه زیبایی این کلام نورانی را به نهایت رسانده است این است که حضرت می‌فرماید، در جهت ابراز محبت و رعایت حقوق شهروندی فقط انسان بودن ملاک است. بدون شک پایه حکومت صحیح، مقتدر و عادلانه، بر قلوب و دل‌های مردم است نه بر شمشیرها و نیزه‌ها. آن‌ها که بر دل‌ها حکومت دارند کشورشان امن و امان است و آن‌ها که بر شمشیر تکیه می‌کنند دائماً در خطرند. این کلام حضرت امیر هرچند رویکرد سیاست داخلی را بیان می‌کند اما از باب تنقیح مناط و اینکه سیاست خارجی و داخلی ارتباط تنگاتنگ باهم دارد، سیاست خارجی و روابط بین‌الملل را نیز شامل می‌شود. مسلماً دولت اسلامی اگر با دول غیر اسلامی روابطشان بر اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و عدم مداخله و تکریم همدیگر استوار باشد، دائماً در امن و امان به سر خواهند برد. در غیر آن همواره از ناحیه‌ی همدیگر احساس خطر نموده روی آرامش را نخواهند دید.

۱-۲. پیروان ادیان توحیدی، «وحدت بین‌الادیان»

در سطح دوم که پیروان ادیان توحیدی مراد است، به تعامل و گفتگو و اجتماع حول محورهای سه گونه عبادت خداوند، نفی شرک و نفی رژیم‌های طاغوتی توصیه شده است. چنان‌که آیاتی همانند آیه شریفه ذیل بیانگر این بخش از همزیستی مسالمت‌آمیز است:

بگو، ای اهل کتاب! بیایید تا بر سخنی که بین ما و شما یکسان است، بایستیم که جز خداوند را نپرستیم و برای او هیچ‌گونه شریکی نیاوریم و هیچ‌کس از مادیگری را به جای خداوند، به خدایی برنگیرد و اگر روی گردان شدند، بگویید: شاهد باشید که ما مسلمانیم.» «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ.» (آل عمران/۶۴)

محورهای اتحاد ادیان توحیدی: یک) پرستش خداوند متعال و نفی شرک ذاتی «الا نعبد الا الله»، عبادت خداوند متعال، اولین محوری است که فضای همزیستی مسالمت‌آمیز را

ایجاد می‌نماید. (دو) نفی رژیم‌های ارباب‌ورعیتی «ولا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دوالله». (سه) تأسیس رژیم‌های ربانی.

مَا كَانَ لِيَشْرَ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبِيَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ (۷۹) وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّنَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (آل عمران/۷۹-۸۰).

۱-۳. امت اسلامی «جهان اسلام»

در سومین سطح یعنی در سطح برادری و اخوت دینی، همزیستی مسالمت‌آمیز در پیمان‌های فراتر از تعامل و گفتگو توصیه گردیده است. در این سطح، آموزه‌های اسلامی برکمال اخوت، تعاون، همکاری، ملایمت، و در یک کلام همه را چون خود دیدن، وحدت و یکرنگی، اخوت و برادری دینی، پافشاری می‌نماید که آیات شریفه‌ای ۱۰ حجرات: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.» و ۲۰۸ بقره: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ.» عهده‌دار تبیین این فراز از همزیستی مسالمت‌آمیز است. زیرا در معنای «سِلْم» که در آیه ۲۰۸ بقره آمده، گفته شده، آشتی و صلحی که در مقابل جنگ باشد. به‌هرحال «سِلْم» در این آیه، بیانگر صلح و سازش و اتحاد و برادری در درون «امت اسلامی» است.

۲. راهکارها و اصول همزیستی مسالمت‌آمیز در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل (از منظر فقه اسلامی)

در فقه اسلامی راهکارها و اصول متعددی در جهت ایجاد و تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز ارائه گردیده است به‌نحوی که اگر مورد توجه قرار گیرد شرایط زیست و زندگی در جوامع بشری به مراتب بهبود خواهد یافت به‌عنوان نمونه عمده‌ترین راهکارها قرار ذیل هست:

۲-۱. اصل تألیف قلوب

تألیف قلوب یکی از احکام اسلامی است که هم در فقه اسلامی و هم در اخلاق، عالمان اسلامی بدان توجه کرده‌اند. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

همانا مصرف زکات مخصوص [این هشت گروه است] فقیران، عاجزان، متصدیان اداره صدقات، آزادی‌بندگان، قرض دادن در راه خدا، و به راه در ماندگان، این مصارف هشتگانه فرض و حکم خداوند است که خداوند آگاه است: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه/۶۰)

بسیاری از فقهای اهل سنت، و تعدادی از فقیهان اهل تشیع همانند شهید اول و شهید ثانی و صاحب عروه در معنی المؤلّفه قلوبهم معنی گسترده‌ای را در نظر گرفته‌اند، به گونه‌ای که جامعه انسانی را شامل می‌گردد. بر این اساس تألیف قلوب شامل گروه‌های ذیل می‌گردد: کفاری که ممکن است به اسلام متمایل گردد، کفاری که با تألیف قلوب از آزار مسلمانان دست‌بردارند، تازه‌مسلمانان، سست‌ایمان‌ها و...؛ (محمدکاظم یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۳۲ و روح‌الله خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۰۸) بنابراین، کاربست راهکار تألیف قلوب، در سیاست خارجی و عرصه روابط بین‌الملل می‌تواند، بسترساز همزیستی مسالمت‌آمیز، در سطح جامعه انسانی باشد.

۲-۲. اصل وفای به عهد

وفای به عهد یکی دیگر از راهکارهای است که در جهت تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز فوق‌العاده تأثیر گزار است از این رو در فقه اسلامی بدان تأکید فراوان شده است خداوند در قرآن کریم مفرماید: «به عهد خویش وفا کنید که بازخواست خواهید شد.» «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا.» (اسراء/۳۴) صاحب مسالک الافهام می‌گوید: دلالت آیه بر وجوب وفای به عهد از دو جهت است: یکی، صیغه امر و دیگری از این جهت که گفته «مسئولاً» آنچه در روز قیامت مورد بازخواست قرار می‌گیرد چیز واجب است. (محمدجواد حسینی، مفتاح الکرامه، بیتا، ج ۳، ص ۱۵۳)

همین‌طور قرآن کریم دارد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به پیمان‌ها وفا کنید.» «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ.» (مائده/۱) مراد تمام انواع عقدها و عهدها هست، زیرا که واژه‌ی «العقود» عام است. معانی که مفسرین ذکر کرده‌اند تنها مصادیق مختلف آن است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹، ج ۵، ۲۱۱) آیه دربرگیرنده صیغه امر است. و ظهور آن بر وجوب دلالت می‌کند. واژه «عقود» جمع همراه با الف و لام و از الفاظ عموم است. بنابراین، مراد تمام انواع عقداست. بدین معنی که فرقی نمی‌کند که طرف مقابل مسلمان باشد یا کافر، صاحب جواهر می‌گوید: تا زمانی که از طرف مخالف نقض عهد نشده به هیچ‌وجه نباید نقض عهد کرد. اسکافی یکی دیگر از فقها می‌گوید: اگر بر اساس ضرورت با کفار عهد بستند؛ بعد اگر آن ضرورت یا اضطرار برطرف شد؛ حق ندارند نقض عهد نمایند. (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ص ۲۹۴)

۲-۳. رعایت اصل عدالت

باید گفت اصل حاکم در همه این موارد اصل عدالت است و باید گفت، قاعده القواعد «اصل عدالت» است. صاحب جواهر می‌گوید: اگر اهل ذمه برای تحاکم به شما (مسلمانان) مراجعه کردند باید بر محور اصل عدالت حکم نمایید به دلیل قول خداوند متعال: «و اگر میانشان حکم کنی به عدالت حکم کن که خدا عدالت‌پیشگان را دوست دارد.» «وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.» (مائده/۴۲) و یا می‌فرماید: «میانشان بر وفق آنچه خدا نازل کرده است حکم کن و از خواهش‌هایشان پیروی مکن.» «وَإِنْ أَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ.» (مائده/۴۹) صاحب جواهر در این باره می‌گوید: حتی اگر کافر حربی به شما مراجعه کرد تا بین آن‌ها قضاوت نمایید واجب است بر حاکم اسلامی که از روی عدل و انصاف حکم نماید. «وجب علی الحاکم ان یحکم بینهم بما انزل الله لقوله تعالی: «وان احکم بینهم بما انزل الله ولا تتبع اهواءهم» (محمدحسن نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ص ۲۹۵)

در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از منظر دین مبین اسلام، برای زندگی مسالمت‌آمیز، دوراهکار قرانی قابل استنباط است: یکی تنظیم روابط بر اساس عهدنامه‌ها و قراردادهای و دیگری تنظیم روابط فی‌مابین بر اساس قواعد انسانی و مشترکات بشری و یا به

تعبیر قرآنی «خیرات» یعنی عقل سلیم و منافع انسانی که وجدان و عقل عمومی فواید و آثار مثبت آن را تأیید می‌کند. (سعید رهایی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲) در روابط بین‌الادیان، عدالت عین فرمان دین است به همین سبب هر که عادل‌تر است دین‌دارتر و هر که دین‌دارتر است عادل‌تر است. (سعید رهایی، همان، ص ۱۷۳-۱۷۲) خداوند در قرآن کریم مفرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا و حق گفتن به پا خیزید، و به عدل گواهی دهید. دشمنی با گروهی دیگر و ادارتان نکنند که عدالت نورزید، عدالت ورزید که به تقوی نزدیک‌تر است؛ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ نَعَرْتُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا. (نساء/۱۳۲)

خداوند در سوره ممتحنه بیان زیبایی دارد در خصوص اینکه روابط انسانی با کفار چگونه باید تنظیم گردد:

خداوند متعال نسبت به کسانی که درباره دین، با شما نجنجیده‌اند و شما را از خانه‌هایتان اخراج نکرده‌اند؛ نهی نمی‌کند از نیکی نمودن و رعایت عدالت بلکه خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد؛ لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. (ممتحنه/۸)

از دیدگاه اسلام در حوزه روابط بین‌الملل، بر اساس اقتضای زمان و مکان، گفتگو بهترین صورت راهکار و تعامل برای همزیستی مسالمت‌آمیز است. عدم توهین و تحقیر ادیان و اعتقادات دیگران از وظایف مشترک عقلانی و دینی و لازمه زندگی مسالمت‌آمیز است. (سعید رهایی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۳) بنابراین آنچه موردنظر اسلام است تأکید بر همزیستی مسالمت‌آمیز در تمامی عرصه‌هاست. تأکید رهبران دینی در رفتار و گفتار همواره مؤید این مطلب است.

۲-۴. اصل مهاده

از دیدگاه اسلام، اگر در خلال جنگ از طرف دشمن پیشنهاد صلح گردد، مسلمانان موظفند

این پیشنهاد را بپذیرند به دلیل اینکه آیه شریفه می‌فرماید: «اگر از سوی دشمن به شما پیشنهاد صلح ارائه شد باید بپذیرید نباید رد نمایید و باید به خداوند توکل کرد.» (وَإِنْ جَئَحُوا لِلْسَلَامِ فَأَجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.) (انفال/ ۶۱) صاحب جواهر می‌گوید: این مسئله اجماعی است. «بلاخلاف اجد فيه بل الاجماع بقسمیه علیه مضافاً الی قوله تعالی، فاتموا الیهم عهدهم الی مدتهم» (محمدحسن نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ص ۲۹۳) ایشان در جهت قبول صلح به سه دلیل تمسک می‌کند: ۱- اجماع، بل الاجماع بقسمیه، ۲- آیات قرآن کریم: «وَإِنْ جَئَحُوا لِلْسَلَامِ فَأَجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.» (انفال/ ۶۱) و «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.» (ممتحنه/ ۷) ۳- سیره پیامبر اکرم (ﷺ) که به صورت قطعی از سوی پیامبر اکرم این مطلب اثبات شده است. «والی المقطوع من وقوعها من النبی (ﷺ) فی الجملة.» (محمدحسن حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۲۹۳) بنابراین، کاربست اصل مهادنه، به مفهوم تبیین عملی نگاه صلح‌آمیز دین اسلام است، بدین معنی که آموزه‌های اسلامی بر اساس منطق و عقلانیت گسترش یافته است نه جنگ و درگیری.

۲-۵. اصل امان

یکی از راهکارهای همزیستی مسالمت‌آمیز مسئله امان است. به خاطر اینکه خداوند در قرآن کریم می‌گوید:

اگر در وسط میدان جنگ هم یکی از مشرکان فرصت خواستند تا درباره محتوی تبلیغی شما تفکر نماید، نباید این حق را از او سلب نمایید بلکه باید این فرصت را به او بدهید ولی چنین نباشد که از این فرصت پیش‌آمده سوءاستفاده نمایید، بلکه باید زمینه آزادی اندیشه برای او فراهم باشد و بدون هیچ‌گونه نگرانی درباره آموزه‌های دین اسلام بیندیشند. وانگاه که سخنان شما را شنیدند او را به جای گاه امنش برسانید؛ وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ (توبه/ ۶)

اگر یکی از مشرکان امان خواستند، تا کلام خدا را بشنود، باید به او امان بدهید، و آنگاه او را به جایگاه امنش برسانید، و این بدان دلیل است که آنان گروه نادانند. صاحب جواهر برای اثبات این مسأله ادعای اجماع نموده است: «و علی کل حال فلا خلاف فی مشروعیتہ بیننا و بین المسلمین کما فی المنتهی بل الاجماع بقسیمیہ علیہ..» (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ص ۹۲)

روایت از امام صادق علیه السلام نیز موید این مطلب است. «وقال السکونی

قلت لابی عبدالله علیه السلام ما معنی قول النبی (ﷺ) یسعی بذمتی ادناهم قال لوان جیشا من المسلمین حاصروا قوما من المشرکین فأشرف رجل فقال: أعطونی الامان حتی القی صاحبکم واناظره فأعطاه أدناهم الامان وحب علی افضلهم الوفاء به (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۴۸۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام مفرماید:

کسی که مردی را بر جانش امان دهد بعد نقض عهد کند من از قاتل بری هستم (بیزارم) و لو مقتول در جهنم باشد. «قال امیرالمؤمنین علیه السلام من ایتمن رجلا علی دمه ثم خاس به (ای نکت بالعهد) فانی من القاتل بریء وان کان المقتول فی النار. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۵۱)

در ادامه صاحب جواهر می‌فرماید: حتی شبهه امان هم کافی است که نباید مورد تعدی قرار گیرد. «بل الظاهر لحوق شبهه الامان به.» (محمدحسن نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱، صص ۹۲-۹۳)

۲-۶. اصل رد ودایع

یکی از آموزه‌های دینی - اسلامی رد امانت است، پایبندی به این دستور مؤکد دینی خود راهکار دیگری است در جهت تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز. خداوند در قران کریم سفارش می‌کند که:

امانت‌ها را به صاحبانش برگردانید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید خداوند اندرزهای خوبی به شما می‌دهد خداوند شنوا است: **انَّ اللّٰهَ یَأْمُرُکُمْ اَنْ تُؤَدُّواْ الْاَمَانَاتِ اِلٰی اَہْلِهَا وَاِذَا حَکَمْتُمْ بَیْنَ النَّاسِ اَنْ تَحْکُمُوْا بِالْعَدْلِ اِنَّ اللّٰهَ نِعِمَّا یُعْظُکُمْ بِهٖ اِنَّ اللّٰهَ کَانَ سَمِیْعًا بَصِیْرًا** (نساء/۵۸)

امام باقر علیه السلام می‌فرماید سه چیز است که خداوند در باره آنها به کسی رخصت و اجازه

مخالفت نداده است:

۱. ادای امانت، به نیکوکار و بدکار، ۲. وفای به عهد به نیکوکار و بدکار، ۳. نیکی به پدر و مادر چه نیکوکار باشد و چه بدکار: ثلاث لم يجعل الله عزوجل لاحد فيهن رخصه أداء الامانه الى آلبر والفاجر والوفاء بالعهد للبر والفاجر وبر والدين برين كانا او فاجرين « (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۶۲) صاحب جواهر در این خصوص می‌فرماید: باید امانت و ودیعه به صاحبش بازگردانده شود اگرچه ودیعه گذار کافر باشد. حتی اگر قاتل شخصیتی همانند امیرالمؤمنین علیه السلام یا قاتل امام حسن و امام حسین علیهما السلام یا اولاد انبیا هم باشد دلیل نمی‌شود تا خیانت در امانت نمایید: و کیف كان يجب الرد و لو كان المودع كافرا لاطلاق الادله و خصوص خبر الصيقل و غيره من النصوص المستفيضة المتواتره المأمور بها برد الامانه على صاحبها و ان كان قاتل على علیه السلام او الحسنين علیهما السلام او اولاد الانبياء او مجوسيا او شاميا... المعمول بها بين الاصحاب» (محمد حسن نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۷، ص ۱۲۴،

شهید صدر نیز همین نظر را دارد می‌فرماید:

رد ودایع واجب است اگر خود شخص فوت نموده است باید به وارثش مسترد گردد فرقی ندارد مودع مسلمان باشد یا کافر. يجب رد الودیعه الى المودع او وارثه بعد موته وان كان كافرا. (محمدباقر صدر، ۱۹۹۰، ص ۱۶۲)

در کل باید گفت، که دولت شهر مدینه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به‌عنوان الگوی تمام و کمال برای دولت اسلامی در شناسایی ملل یهود و مسیحی و مجوسی، برای زندگی مسالمت‌آمیز مسلمانان با آنها، جای هیچ‌گونه تردیدی برای ما باقی نگذاشته و نمی‌گذارد در مورد مشرکان مکه که گمراه‌ترین و سرسخت‌ترین دشمنان اسلام بودند همواره سری جنگ و ستیز داشتند، چون ضرورت ایجاب کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله راهکار عهد و پیمان را در پیش گرفته و امتیازهای متقابلی با آنان ردّ و بدل کرد و اصل برابر انگاری و رفتار همسان را که می‌گویند مبنای روابط بین‌المللی در زمان کنونی است، دقیقاً تا مرز ضرورت‌ها به کار بست، و با این شیوه، پیامبر توانست مشرکان را از موضع تجاوز و استکباری به موضع توافق و حقوق عادلانه بکشاند. (خلیل خلیلیان، ۱۳۷۷، ۱۹۰)

۳. راهکارها و اصول همزیستی مسالمت‌آمیز در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل اسلامی

منظور از اصول در این جا، یک سری قواعدی بنیادین حقوقی است که در سطح بسیار گسترده‌ای میدان عمل دارند و یا یک سری هنجارهای اصیل و عامی هستند که دولت باید در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل خود آنها را مبنای عمل کرد خود قرار دهد. در نظام حقوقی اسلام، اصول کلی در معنایی گسترده‌تر، همان قواعد حقوقی و عمومی‌اند، که باگذشت زمان و در هیچ شرایطی از اعتبار نمی‌افتند. همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام مبتنی بر یک سری اصول اساسی است که با در نظر داشت آن اصول اساسی، از دوام و بقا برخوردار خواهد شد. اصول موردنظر اسلام، از نظر کارکرد تمامی سطوح همزیستی را مورد توجه قرار داده و با یک بزرگ‌منشی خاصی تمام جوامع انسانی را شامل می‌گردد. مهم‌ترین اصول اساسی موردنظر اسلام در باب همزیستی مسالمت‌آمیز عبارتند از موارد ذیل:

۳-۱. باور به کرامت ذاتی انسان

خداوند در قرآن می‌گوید:

بدرستی که ما تمام بنی‌آدم را کرامت بخشیدیم و مسلط گردانیدیم ایشان را بر بیابانها و دریاها و روزی دادیم ایشان را از پاکیزه‌ها و برتری دادیم ایشان را بر بسیاری از آنچه خلق کردیم برتری دادنی. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء/۷۰)

علی‌الم در نهج البلاغه نیز به همین مطلب تصریح داشته می‌فرماید:

و اشعر قلبک الرحمة للرعیة و المحبة لهم و اللطف بهم و لا تكوننّ علیهم سبعا ضاریا تغتمم اکلهم، فانهم صنفان، اما اخ لك فی الدین، و اما نظیر لك فی الخلق (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

این فرمایش امام علی‌الم نیز اشاره به همین کرامت ذاتی انسان دارد. حضرت می‌گوید: در

تعاملات و مناسبات اجتماعی ملاک انسانیت است نه دین، مذهب، رنگ، نژاد و زبان.

۲-۳. اعتقاد به یکی بودن منشأ تمام انسان‌ها

قرآن کریم دارد:

هان ای مردم! همانا شمارا از یک مرد و یک زن آفریدیم و شمارا به هیئت اقوام و قبایلی درآوردیم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید، بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست. **يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.** (حجرات/۱۳)

۳-۳. آزادی عقیده

باور به اجباری نبودن دین یا اعتقادی خاص از اصول اساسی همزیستی مسالمت‌آمیز است قرآن مجید با صراحت تمام می‌فرماید: «هیچ اکراه و اجباری در پذیرش دین وجود ندارد راه رشد از راه ضلالت مشخص گردیده است.» «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره/۲۵۶) حق برای انتخاب آزادانه مذهب و آزادی خردمندان و مبتنی بر یقین در پذیرش دین، از اصول دعوت اسلامی است. به همین سبب خداوند بشارت و رضایت‌مندی را در شنیدن سخنان و انتخاب احسن می‌داند. «فَبَشِّرْ عِبَادَ (۱۷) الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ.» (زمر/۱۸) پیامبر و هرکسی که دعوت پیامبر را پی می‌گیرند مأمورند که به پسندیده‌ترین گونه دیگران را دعوت کنند، دعوت باید توسط حکمت، یعنی دانشی که نتیجه آن اعتقاد محکم است، صورت پذیرد. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ.» (نحل/۱۲۵) این آیه استراتژی دعوت اسلام را اتکا به «برهان» و «موعظه» و «جدال احسن» و راهکار دعوت‌شدگان را نیز گوش فرادادن به سخنان و انتخاب احسن می‌داند. (سعیدرهای، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵)

۴-۳. آزادی بیان

قرآن کریم به رسول گرامی اسلام دستور می‌دهد تا با حکمت و جدال احسن انسان‌ها را به اسلام دعوت نماید.

به‌سوی پروردگارت با حکمت و پند نیکو بخوان بهترین شیوهی گفتگو را با آنان برگزین. اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ. (نحل/۱۲۵)

نیز آیات دیگری بر این نکته اشاره دارد که انسان‌ها حق دارند در همه‌ی زمینه‌های مختلف عقیدتی، فکری، قانون‌گذاری و سیاسی اظهار نظر نموده و از آزادی بیان برخوردار باشند. از دیدگاه قرآن، تمامی حقوق و آزادی‌های همگانی محترم است، نباید به‌هیچ‌وجه مورد تعدی قرار گیرد، در سنجش حقوق متقابل، قسط و عدالت از معیارهای پذیرفته‌شده در تعیین و سنجش برابری حق‌ها هستند. (سعیدرهایبی، ۱۳۸۹، ص ۴۸۹) قرآن مجید آنجا که بحث و گفتگو دیگر نتیجه‌بخش نیست راهکار عمل به معتقدات خویشتن به‌شرط عدم تعدی به حریم دیگران را ارائه داده است. «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (۱) لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲) وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۳) وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ (۴) وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۵) لَكُمْ دِينُكُمْ وَلی دین». (کافرون/۱-۶)

۳-۵. تکیه بر اشتراکات

از جمله آیاتی که پیروان ادیان توحیدی را مورد خطاب قرار داده است آیه شریفه ذیل است که می‌فرماید:

ای اهل کتاب! بیایید تا بر سخنی که بین ما و شما یکسان است، بایستیم که جز خداوند را نپرستیم و برای او هیچ‌گونه شریکی نیاوریم و هیچ‌کس از ما دیگری را به‌جای خداوند، به‌خدایی برنگیرد و اگر روی‌گردان شدند، بگوئید: شاهد باشید که ما مسلمانیم. قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ. (آل عمران/۶۴)

۳-۶. احترام به پیمان‌ها و تعهدات بین‌المللی

یکی از عوامل مهم در ایجاد زندگی صلح‌آمیز و روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز میان کشورها،

وجود پیمان‌هایی است که دو یا چند کشور با رضایت خود منعقد ساخته‌اند. در واقع مهم‌ترین سرمایه‌ی جامعه‌ی جهانی، اعتماد دولت‌ها و ملت‌ها به یکدیگر است. در آیات قرآن کریم و احادیث اسلامی، به مسئله‌ی وفا به عهد و تعهدت، تأکید فراوانی شده است و شکستن آن از گناهان بزرگ شمرده می‌شود.. «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ.» (نحل/۹۱) سیره عملی پیامبر اسلام (ﷺ) نیز بر همه‌پذیری و همزیستی مسالمت استوار بود..

امروزه همزیستی مسالمت‌آمیز به‌منظور پرهیز از خشونت و جنگ به‌ویژه در بعد بین‌المللی آن بیشتر مطرح شده و دارای اهمیت است. باید گفت، این اصل، به صلح و استقرار و ادامه آن اتکا دارد. اما در عین حال، ضروری نمی‌داند که همه کشورها در یک جهت شکل یابند و نظام اجتماعی و سیاسی آن‌ها یکسان باشد. چیزی که از آن به «نظم نوین جهانی» تعبیر شده است؛ بلکه اسلام و فقه سیاسی با توجه به این اصل، همه ایدئولوژی‌ها را به هم پیوند می‌زند و امکان باهم زیستن را برای همه فراهم می‌سازد. (جلال الدین مدنی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۹۲) پس در شریعت اسلام چه در روابط داخلی و چه بین‌المللی، مهم‌ترین شیوه حل اختلاف توسل به راه‌های مسالمت‌آمیزی چون مذاکره، بحث آزاد، حکمیت و داوری وساطت و سازش هست. (محمدابراهمی، ۱۳۷۷، صص ۹-۱۰) در کتب لغت هم، همزیستی قرین به همین معنا آمده است: «همزیستی یعنی، باهم زیستن، زندگی دو تن یا دو گروه با یکدیگر در حالی که شاید مناسب یکدیگر نباشند. (علی اکبر دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۴، ص ۲۰۸۱۷)

۴. اصول همزیستی مسالمت‌آمیز در حقوق بین‌الملل

با اینکه اسلام چهارده قرن قبل، همزیستی مذهبی بین ادیان آسمانی را شناخت و آن را شعار حقیقی خود قرارداد. دعوت به اصول مشترک، پرهیز از تعصب‌های مذهبی، آزادی عقیده، دوری از تحمیل دین و مذهب و احترام به حقوق اقلیت‌ها از دستورهای اصیل اسلامی است که قرآن کریم و روایت و سیره بیانگر آن است. اما در حقوق بین‌الملل امروز، با بررسی‌هایی که مدتی نزدیک به ده سال در مراجع و دستگاه‌های گوناگون سازمان ملل متحد درباره‌ی اصول

حقوق بین‌الملل مربوط به روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها به عمل آمده بود، در جلسه مورخ ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ م. (بیست و پنجمین دوره اجلاسیه مجمع عمومی) تازه همزیستی مسالمت‌آمیز را مطرح و بر آن اساس، تصمیمی اتخاذ شد. طبق این تصمیم درباره اصول هفت‌گانه ذیل به‌طور رسمی توافق حاصل شد:

۱-۴. عدم توسل به زور الزام دولت‌ها به خودداری از توسل به تهدید و به کار بردن قوای مسلح ضد تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌های دیگر یا اقدام‌های مشابه که خلاف اهداف سازمان ملل متحد هستند.

۲-۴. لزوم حل و فصل اختلافات بین‌المللی به وسایل مسالمت‌آمیز به‌گونه‌ای که لطمه‌ای به صلح و امنیت بین‌المللی و اصول عدالت وارد نشود.

۳-۴. عدم مداخله دولت‌ها در اموری که در صلاحیت انحصاری دولت‌های دیگر است، با توجه به اصول مقرر در منشور ملل متحد. اصل عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها، عبارت است از شناسایی حقوق ملت‌ها در انتخاب نظامی سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی ویژه‌ای که برای تحقق ارزش‌ها و منافع برگزیده‌اند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۵۰) اصل عدم‌مداخله از اصول منشور ملل متحد است که در مقدمه منشور توصیه‌شده است: به رفق و مدارا کردن و زیستن در حال صلح.

۴-۴. الزام دولت‌ها به همکاری با یکدیگر طبق اصول منشور ملل متحد.

۵-۴. تساوی حقوق ملل و آزادی آن‌ها برای تعیین سرنوشت خود.

۶-۴. الزام دولت‌ها به رعایت تعهدات ناشی از منشور ملل متحد با حسن نیت کامل..

(هانری کوشو و میلوس رادوژکویچ، ۱۳۵۴، صص ۲۶-۳۱)

۷-۴. برابری دولت‌ها از لحاظ حق حاکمیت: حاکمیت در نظریه قدیم به این معنا است

که دولتی دارای حاکمیت، مجمعی برتر از خود نمی‌شناسد، و اقتدار سیاسی کامل دارد.. (کلود آلبر کلیار، ۱۳۶۸، ص ۱۷۹) این تعریف، بیانگر نظریه قدیم حاکمیت، یعنی ملاک تشخیص «کشور» و همان نظریه «اقدام تام کشور» است که در پی تجدید حیات حقوق روم، در حقوق داخلی و سپس در حقوق بین‌الملل داخل شد. به این معنای حاکمیت،

اعتراض شده است؛ چون اگر کشوری مطیع حقوق بین‌الملل باشد، دیگر حاکمیت به صورت مطلق و نامحدود معنا ندارد، و اگر کشوری دارای حاکمیت مطلق‌العنان باشد، جایی برای حقوق بین‌الملل باقی نمی‌ماند. پس، منظور از «اصل برابری حاکمیت‌ها» همان حاکمیت به معنای تعدیل‌شده است؛ یعنی هر کشوری حق دارد به اراده خود و بدون اجبار دیگر حاکمیت‌ها، به قراردادهای بین‌المللی ملحق شود و حق بهره‌برداری و استخراج از منابع طبیعی را که در محدوده سرزمینش واقع شده دارا است. (کریمی نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴)

۴-۸. تساوی حاکمیت‌ها در عمل: منشور سازمان ملل در ماده ۲، بر اصل تساوی حق حاکمیت تمام اعضا تأکید دارد و مرادشان این است که هر یک از کشورهای عضو دارای یک رأی هستند. در کنفرانس‌های بین‌المللی، کشورها چه کوچک و چه بزرگ، حق رأی مساوی دارند. (جلال‌الدین مدنی، ۱۳۷۲، ص ۳۸۶)

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت دولت‌ها عموماً و به‌خصوص دولت اسلامی باید در عین تأکید روی استقلال و تمامیت ارضی به حسن هم‌جواری، عدم‌مداخله و احترام متقابل، در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل احترام بگذارند. بنابراین، کار گذاران نظام دولت اسلامی، با در نظر داشت مطالب مطرح‌شده پیرامون اصل همزیستی و به تبعیت از قرآن کریم و سیره‌ی نبی مکرم اسلام (ﷺ) باید در سیاست خارجی‌شان به گونه‌ی سیاست‌گذاری بکنند که مطابق اصول ذکرشده باشد یعنی در حوزه جهان اسلام بنا را بر وحدت، اخوت و برادری دینی، در حوزه تعامل با دول غیر اسلامی متصالح بنا را بر اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و احترام متقابل بگذارند.

چراکه، دولت‌شهر مدینه پیامبر اکرم (ﷺ) به‌عنوان الگوی تمام و کمال برای دولت اسلامی در شناسایی ملل یهود و مسیحی و مجوسی، برای زندگی مسالمت‌آمیز مسلمانان با آن‌ها، جای هیچ‌گونه تردیدی برای ما باقی نگذاشته است. در مورد مشرکان مکه که گمراه‌ترین و سرسخت‌ترین دشمنان اسلام بودند همواره سری جنگ و ستیز داشتند، چون ضرورت

ایجاب کرد، پیامبر (ﷺ) راهکار عهد و پیمان را در پیش گرفته و امتیازهای متقابلی با آنان ردّ و بدل کرد و اصل برابر انگاری و رفتار همسان را که می‌گویند مبنای روابط بین‌المللی در زمان کنونی است، دقیقاً تا مرز ضرورت‌ها به کار بست، و با این شیوه، پیامبر توانست مشرکان را از موضع تجاوز و استکباری به موضع توافق و حقوق عادلانه بکشاند.

دقیقاً اسلام از همان روز نخستین، اصول صلح و همزیستی مسالمت را پی ریخته و از این طریق راه را برای پیمودن صلح بین‌المللی و همزیستی مسالمت‌آمیز هموار ساخت است. به گونه‌ی که صلح و صفا روح اسلام را تشکیل می‌دهد. خلاصه برنامه طرفداری از صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل دولت اسلامی از خردمندانه‌ترین و مرفقی‌ترین برنامه‌ها است که اسلام آن را اتخاذ کرده و تقویت نیرو را به سبب استواری صلح و در موقع اضطراری برای دفاع خواسته است. اسلام چنان برای صلح و زندگی مسالمت‌آمیز اهمیت قائل است که حتی سرسخت‌ترین دشمن در حال جنگ را و لو از روی ضعف و ناتوانی پیشنهاد صلح بدهد رد نمی‌کند. بلکه با آغوش باز می‌پذیرد دولت اسلامی باید این آموزه‌های اسلامی را در تدوین سیاست خارجی و روابط بین‌الملل خود به کار بسته و در عمل پیاده بکند.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

- گیدنز، آنتونی، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۷.
- لک زایی، نجف، سیرتطور تفکر سیاسی امام خمینی علیه السلام، قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، چ ۷، ۱۳۷۹.
- یزدی، سیدمحمدکاظم، العروه الوثقی، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹هـ.
- خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، چ ۲، قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۰هـ.
- موسوی بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهیه، نجف: مطبعه الأدب، ۱۳۸۹هـ.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷هـ.
- رهایبی، سعید، آزادی دینی از منظر حقوق بین‌الملل با نگاهی به ریافت اسلامی، قم: دانشگاه مفید، چ ۱، ۱۳۸۹.
- الحرالعالمی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: آل‌البیت، چ ۱، ۱۴۰۹هـ.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۳، ۱۳۸۸هـ.
- خلیلیان سید خلیل، حقوق بین‌الملل اسلامی، (کلیات و منابع)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
- صدر، محمد باقر، منهاج الصالحین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۹۹۰م.
- مدنی، جلال‌الدین، حقوق بین‌الملل عمومی و اصول روابط دول، تهران، پایدار، ۱۳۷۷.
- ابراهیمی، محمد، اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، سمت، چ ۱، ۱۳۷۷.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات سمت، چ ۱، ۱۳۷۲.
- کلیبار، کلود آلبر، نهادهای روابط بین‌الملل، ترجمه هدایت‌الله فلسفی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۸.
- کریمی نیا، محمد مهدی، همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام و حقوق بین‌الملل، قم: انتشارات مؤسسه‌ای آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چ ۲، ۱۳۸۶.
- مدنی، جلال‌الدین، مبانی و کلیات علوم سیاسی، تهران، مؤلف، ۱۳۷۲.

